

در مصانی از

مکتب اسلام

شهر نور ۱۳۵۲ رجب ۱۳۹۳

شماره ۸ سال ۱۴

تقسیم منافع بجای تضاد منافع

آنجا که صلح از جنگ خطرناکتر است!
اگر قدرتها همگامی که جنگ میکشد جهان
را به آتش می کشند و همگامی که صلح
میکنند دنیا را می بلعند!



سیاری از مردم بینگامی که با اصطلاح بین ابر قدرتهای جهان! کشمکش و
مشاجرات شده روی میدهد بوحشت می افتند که ای وای جنگ جهانی سوم نزدیک شد، فردا
است که بمبهای اتمی و هیدروژنی از آزاد خانههای وحشتناک دولت‌های بزرگ بیرون کشیده میشود
و در عرض ۳۰ دقیقه، جهان پرتلی از خاکستر اتمی تبدیل میگردد، و فاجعه‌ای که نباید روی
بمبارد روی خواهد داد. دو سوم مردم دنیا نابود می‌شوند و یک سوم باقیمانده نیز به عصر
حجر بر می‌گردند.

دردستان «کوبا» و بر خورده‌ی که نزدیک بوغیان دودسته از اوگان دولتمای بزرگ شرقی و غربی رخ بدهد همین اضطراب و وحشت سراسر جهان را فرا گرفت .

و امروز که فاتحان بزرگ جهان کنار یکدیگر می‌نشینند و لبخند می‌زنند، و قراردادها و مقاوله نامه‌ها و پیمانها را پشت سر هم امضا میکنند، همین خوشی یاورها خوشحالتند و بهم تبریک می‌گویند .

در حالی که هیچگونه دلیلی نداریم که این سازشها و مصالحه‌های این قدرتها برای جهان (منظور جهان سوم و دنیای غیر ابر قدرت یعنی اکثریت قاطع دنیاست) سرش کمتر از یک جنک اتمی باشد !

چنینکه احتمال بروز یک برخورد اتمی - در شرایط فعلی و با آن همه وحشتی که حتی از تصور آن دارند - بسیار ضعیف است. اما احتمال سازش آنها به زمان جهان سوم بسیار قوی و یا قطعی است .

تا آنها برای هم شاخ و شامه‌ی کشند، و خورشی میکنند، کشورهای دیگر دنیا نسی آزادی میکنند، اما وای از آن روز که بنشینند و برزم دوستانه‌ی تشکیل دهند و بر احنی بریندن یک کبک، منافع جهان را میان خود تقسیم نمایند و در میان جمعی‌های حسرت رده تماشاچیان، دو نظری پایه‌نری این کبک را تا آخر نوشی جان کنند :

گر چه در اعلامیه‌های رسمی مکرر بنا کید میکنند که تقاضای آنها یا خاطر صلح عمومی جهان است و نامه زبان هیچکس، اما معلوم است این درس بزرگ اختلاف را کی به آنها داده است که جهان بر گوازی بخرج دهند، حوادثی نظیر ادامه اشغال سردمپنهای کشورهای اسلامی و ادامه تجاوز و ادر کشورهای هم چون رودزیا و آفریقای جنوبی. و نقاط دیگر دنیا به مشاهده گویای این جنرت است که جمله مزبور که در اعلامیه‌های رسمی گنجانیده شده چیزی جز یک شوخی بی‌لغای نیست، و چیزی که در آن جلسات صلح و دوستی، مطرح نیست - و نمی‌تواند عم باشد - منافع مردم جهان سوم است !

منظور از این گفتار فشرده کوتاه بیان دو واقعیت است :

نخست اینکه :

مردم جهان سوم باید هر چه زودتر فکری بحال خودشان کنند و یا کنار گذاشتن اختلافات گوناگون، که در پشت سر بیشتر آنها شست همان ابر قدرتها دیده میشود، نیروی مستقل عظیمی

مکتب اسلام

بوجود آورده و بکمک آن حقوق شروع خود را حفظ کنند .

مخصوصا ممالک اسلامی که خود می‌نشانند با آنهمه جمعیت و منابع حیاتی - ابر قدرتی باشند، بیش از پیش بخود آیند، عاقبت کاروسپاه روزی خود را هم اکنون در آینه آینده و حال ببینند . دست بر اداری بهم بدهند و اختلافات خود را بدور بریزند و آنچنان که بزرگ کتاب آسمانیان با صراحت دستور میدهد همه نیروهای مادی و معنوی خود را ملحق فر مان «واعدا و لهم ما استطعتم من قوه» بسپار کنند و خود را از فنا و نیستی و پاچیزی شبیه به آن برهانند. **دیگر اینکه :**

این حوادث باید مگر این حقیقت را به ثبوت می‌رساند که بشر مادی به استکای ارزشها و شکر مادی، و قوانین مادی، هرگز قادر به اجرای عدالت اجتماعی و سر پاداشتن اصول حق و عدالت نیست .

قلیهای عظیم این جهان مادی که در وجود رهبران شان تبلور پیدا میکنند، هنگامیکه دست به اسلحه می‌برند و با هم می‌جنگند هر چیز را اعم از نظامیان و غیر نظامیان، کودکان و زنان و حتی بیماران و پیرانستانها و پرستاران و دکترها و تأسیسات آبیاری و سیل بندها را در زیر بمبهای آتش را درهم میکوبند و به آتش می‌کشند، (همان کارهایی که در وقتنام کردند و تاسالیان دراز آثار آن خواهد بود) .

و هنگامیکه کبوترهای صلح در اطراف آنها پیر و از درمی آید، و بزرگ زیتون با هم رد و بدل میکنند، منافع جهان را میان خود تقسیم کرده و کشورهای کوچک را در پای میز صلح خود قربانی می‌کنند .

پس : با جنگشان دنیا را به آتش میکنند و با صلحشان منابع آنرا ، جنگشان بد و صلحشان بدتر !

و اینجاست که می‌فهمیم برای اجرای اصول عدالت در میان جامعه انسانی اصولی غیر از این اصول مادی، و تعلیماتی غیر از این تعلیمات، لازم است، اصولی که از توان پاک و وجدان بی‌ادواتمی سر چشمه بگیرد و تعلیماتی که ممکن با ایمان بخدا و اخلاق و معنویت و احساس مسئولیت دروندانی باشد و از پیامبران خدا الهام بگیرد .

